

متن پرسش

در همان ابتدای بحث قوه و فعل بدایه علامه میفرماید: «وجودُ الشیء فی الأعیان، بحیثُ یترتبُ علیه آثارُهُ المطلوبَةُ منه، یسمی «فعلاً» و یقالُ: إنَّ وجودَهُ بالفعلِ؛ و إمكانُهُ الذی قبلَ تحققِهِ یسمی «قوَّةً».» یعنی «قوه» امکان قبل از تحقق است؛ یعنی بالاخره هنوز در خارج محقق نشده. شما چطور میفرمایید: «صورت بالفعلِ پیری من، الآن محقق شده است.»؟! البته من بدایه یا نهاییه را به دقت نخوانده ام و چند سالی است که قصد دارم نهاییه را به دقت بخوانم، اما هنوز فرصت نشده. البته مباحث «حرکت جوهری» شما را حدود دوازده سال قبل چند بار به دقت گوش دادم و خلاصه برداری کردم، و دو سال قبل هم در جمع دوستان در قم مباحثه کردیم. کجای بدایه یا نهاییه علامه فرموده اند که صورت بالفعلِ آن چیزی که بالقوه است، همین الآن بالفعل موجود است؟!

متن پاسخ

باسمه تعالی: سلام علیکم: انتظار آن است که مباحث گذشته را به خصوص آنجایی که موضوع بالصراحه بحث شد، فراموش نشود. عنایت داشتید که عرض شد فعلیت برای موجودی که در حال حاضر نسبت به آن فعلیت در حال بالقوه است بعداً محقق می‌شود ولی آن فعلیت در خارج از آن موجود موجود است. آن وقت جنابعالی رفته‌اید سخن علامه را آورده‌اید که چون فعلیت برای این شیئی بعداً محقق می‌شود، پس آن فعلیت در خارج محقق نشده؟! شما این دو نکته را با خود حل کنید تا موضوع روشن شود. اولاً: در بحث قوه و فعل، نگاه وجودی را مورد غفلت قرار ندهید مثل سیر از حیات مادون به حیات برتر و مثال‌های اعتباری را مدّ نظر قرار ندهید. ثانیاً: ملاحظه فرمایید بالاخره این قوه وقتی در حال بالفعل شدن است به چه سمتی حرکت می‌کند. آیا به آن سمتی که حرکت می‌کند باید در خارج موجود باشد یا نه؟ مثال حرکت از حیات مادون به سوی حرکت برتر را از نظر دور ندارید و سیر انسان به سوی حضرت حق به عنوان غایت سیر در راستای وجود خدا در خارج معنی می‌دهد و گرنه گرفتار یک نوع سوبرکتیویته‌ی خطرناکی خواهیم شد. در مورد قوه و فعل بدایه باید کلّ بحث دنبال شود. موضوع غایت داشتن حرکت از بدیهیات کتاب‌های فلسفی در مورد قوه و فعل است که قوه به سمتی که حرکت می‌کند نمی‌شود موجود نباشد و گرنه لازم می‌آید حرکت سمت و سویی نداشته باشد و این مساوی با بی‌نهایت قوه و مساوی با عدم حرکت است. موفق باشید